

خانواده مدنی از آرمان تا واقعیت

(مورد مطالعه: خانواده‌های شهر رشت)

حسین سیف^۱، علی یعقوبی چوبری^۲

شناسه پژوهشگر (ارکید): ۰۴۴۲-۴۸۳۹-۰۰۳-۰۰۰۰

شناسه پژوهشگر (ارکید): ۰۶۴۲-۱۹۱۸-۰۰۸-۰۰۰۹

چکیده

پژوهش حاضر به مطالعه خانواده مدنی در بین خانواده‌های شهر رشت می‌پردازد. مشارکت‌کنندگان تحقیق شامل مردان و زنان شهر رشت بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند با ۳۵ نفر از آن‌ها مصاحبه شد. این پژوهش از طریق روش کیفی، تکنیک تحلیل مضمون و به‌کارگیری تکنیک مصاحبه انجام گرفت و مصاحبه با افراد تا رسیدن به اشباع نظری پیش رفت. یافته‌ها نشان داد که به لحاظ گفت‌وگو سنخ‌های مختلف خانواده‌های مورد مطالعه شهر رشت عبارت‌اند از: خانواده‌های گفت‌وگومحور، خانواده‌های مرزی و خانواده‌های مجادله‌محور. بر مبنای یافته‌ها، خانواده‌هایی که سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی بیشتری داشته‌اند، متقارن‌تر و گفت‌وگومحورترند. علاوه بر این، هرچند مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که امروزه خانواده‌ها بیش از گذشته گفت‌وگومحورند، ولی در واقعیت و به‌صورت «اینجا-اکنونی» خانواده‌های مرزی و مجادله‌محور همچنان به حیات خود ادامه می‌دهند. مصاحبه‌شوندگان شکل آرمانی خانواده را در خصلت‌هایی از قبیل صداقت، احترام متقابل، توانایی ابزار احساسات، مشورت، گوش‌فرادادن به حرف سایر اعضای خانواده، برابری، انتقادپذیری، قضاوت‌نشدن (پرهیز از پیش‌داوری) و ظرفیت بالا (داشتن ذهن باز) بر ساخت کرده‌اند که شباهت‌های زیادی به مدل خانواده دموکراتیک (مدنی) آنتونی گیدنز دارد.

واژه‌های کلیدی: خانواده مدنی، خانواده آرمانی، خانواده گفت‌وگومحور، خانواده مرزی، خانواده مجادله‌محور.

۱. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران، hoseenseif1372@gmail.com

۲. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده مسئول)، A.yaghoobi@guilan.ac.ir



تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۱۸

دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال چهاردهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، صفحات ۳۷۱ تا ۳۹۸



Civil Family from Ideal to Reality (Study Case: Families of Rasht City)

Hossein seif

Masters of Sociology, Department of Social Sciences Gilan University (hoseinseif729@gmail.com) **Ali**

Yaghoobi Choobari (corresponding author)

Associate Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Gilan University (a.yaghoobi@guilan.ac.ir)

Research Article

Abstract

The present study deals with the qualitative study of civil family among the families of Rasht city. The population studied in this research are men and women of Rasht city, and 35 people were interviewed using the purposeful sampling method. This research was conducted using the qualitative method, with thematic analysis approach and using the interview technique, and the interviews with people went as far as it led to theoretical saturation. The findings of this research show that in terms of dialogue, the different types of families studied in Rasht city are: dialogue-oriented families, boundary families and conflict-oriented families. Based on the findings of the research, families that have more cultural and social capital are more symmetrical and dialogue-oriented. In addition, although the participants have stated that today's families are more conversation-oriented than in the past, but in reality and in the "here-now" form, boundary and conflict-oriented families are the two main forms of family. The interviewees have constructed The ideal form of the family in traits such as honesty, mutual respect, the ability to express feelings, consultation, listening to the words of other family members, equality, acceptance of criticism, non-judgment (avoid prejudice), and high capacity (having an open mind).

Keywords: Civil family, Ideal family, Dialogue-oriented families, Boundary families, Conflict-oriented families.



Social Problems of Iran



Biannual Journal, Vol. 14, No. 2, Autumn & Winter 2024, 371-398.

Received: 14/6/2023 Accepted: 9/12/2023

۱. مقدمه و بیان مسئله

خانواده نماد و استعاره‌ای از جامعه است که مورد توجه متفکران اجتماعی و جامعه‌شناسان از کلاسیک تا مدرن قرار گرفته است. در این التفات، دورکیم قائل به دو نوع جامعه مکانیکی و جامعه ارگانیکی است. در هریک از دو نوع جامعه، خانواده خاصی ظهور می‌یابد. در جامعه مکانیکی، خانواده گسترده یا پدرسری و در جامعه ارگانیکی خانواده زن و شوهری خلق می‌شود. به زعم وی، زنان نقش عاطفی و مردان وظایف فکری را در پیش گرفته‌اند، ولی در بین برخی طبقات زنان و مردان شبیه هم شده‌اند (دورکیم، ۱۳۸۱: ۶۰). خانواده‌ها در جامعه مزبور جدلی و مونولوگ محورند.

پارسونز در ساختار خانواده قائل به اصل «تمایزپذیری»^۱ یا تفکیک‌پذیری است و برای زن «نقش عاطفی»^۲ یا کارزمایی و برای مرد «نقش ابزاری»^۳ یا اجرایی قائل است (پارسونز و بالس، ۱۹۵۵: ۵۵). در این ساخت زنان از قدرت ابزاری بالا و قدرت اجرایی پایین و مردان از قدرت ابزاری بالا ولی از قدرت عاطفی یا ابزاری پایینی برخوردارند. وی خانواده هسته‌ای را مناسب‌ترین و کارآمدترین نوع خانواده برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه صنعتی محسوب می‌کرد (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۸: ۲۵۴). خانواده در جامعه مزبور در مقایسه با گذشته هرچند گفت‌وگومندتر و چندصداتر شده، ولی جدال بین خانواده قدیم و خانواده جدید در تناظر بین جامعه قدیم و جامعه جدید قرار داشته است.

تا قبل از انقلاب مشروطه، جامعه ایرانی شکل سنتی و به تعبیر دورکیم مکانیکی داشت و نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده در غیاب رسانه‌ها، مراکز علمی جدید، جمعیت‌های شهری در فضای ماقبل مدرن سیر می‌کردند. بین نهادهای اجتماعی یگانگی و انسجام اجتماعی حاکم بود. در جامعه پدرسالار مزبور نابرابری در عرصه گفت‌وگو امری طبیعی تلقی می‌شد، ولی با رخداد انقلاب مشروطه گسستی در جامعه ایرانی به وجود آمد و به تدریج جامعه مبتنی بر انسجام و همگنی جای خود را به جامعه مبتنی بر تفاوت و ناهمگنی و به تعبیر دورکیم ارگانیکی داد (قانع‌راد، ۱۳۹۶). قدرت مردان جامعه پدرسالار ماقبل مشروطه

1. Durkheim
2. Differentiation
3. Expressive Role
4. Instrumental Role
5. Parsons & Bales
6. Giddens & Birdsall



در فرایند تمایز، تقسیم کار اجتماعی، افزایش رسانه‌ها و سرمایه فرهنگی جامعه دستخوش تغییرات تدریجی شد. بعدها انقلاب ۱۳۵۷ نماد و استعاره‌ای از مقاومت علیه سیستم پادشاهی بود که مردم ایران خواستار گفت‌وگو و مشارکت در عرصه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شدند.

در مورد الگوی مناسب خانواده در ایران، دو میل و دیدگاه مختلف وجود دارد. برخی به تقسیم کار نقش‌های خانگی و غیردموکراتیک بودن خانه تأکید می‌ورزند و معتقدند باید به شیوه‌های سنتی برگشت تا نظم و هستی خانواده حفظ شود. علاوه بر این، خانواده مدرن مدنی با ارکان هویتی جامعه ایرانی سازگاری ندارد (صادقی فسایی، ۱۳۹۴). گروهی دیگر بر این باورند که بازگشت به خانواده پدرسالار در شرایط فعلی نه ممکن و نه مفید و ضروری است. تغییر شرایط ساختاری در جامعه و افزایش منابع و مزایای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زنان، «خانواده دموکراتیک یا مشورتی» را بر جامعه و خانواده‌ها تحمیل کرده است. منظور از دموکراتیک شدن یا مشورتی شدن خانواده این است که زنان همانند مردان خواهان مشارکت و حق تصمیم‌گیری هستند (قانع‌ی‌راد، ۱۳۹۶). به نظر می‌رسد هر دو میل در جامعه ایرانی همزیستی دارد و خانواده مجادله-گفت‌وگویی هم‌زمان به حیات خود ادامه می‌دهد. بر مبنای تحقیقات انجام‌شده، خانواده ایرانی در فرایند مدرنیته با چالش‌ها و تناقضات مهمی مواجه شده است. کمیت و کیفیت گفت‌وگو در خانواده «اینجا-اکنونی» ایران تغییر کرده است. به دلایل اجتماعی و فرهنگی به‌ویژه رسانه‌ای شدن کمیت گفت‌وگو کاهش یافته است.

نتایج پژوهش‌ها انجام‌شده نشان می‌دهد ارزش‌های خانواده از قبیل صداقت، احترام متقابل، برابری، درستی، فهم بین‌الذلهانی و... با اختلال مواجه شده است. همچنین تغییرات اجتماعی اخیر از قبیل انقلاب ۱۳۵۷، دوران اصلاحات و پدیده‌های اجتماعی-فرهنگی از قبیل شهری شدن، رسانه‌ای شدن، افزایش تحصیلات و... در تغییر گفتمان خانواده نقش بسزایی داشته است. این تحولات مناسبات اجتماعی برخی خانواده‌ها را تاحدودی متقارن‌تر کرده، اما برخی خانواده‌ها را در موقعیت آنومیک قرار داده است. استان گیلان نیز تحت تأثیر مؤلفه‌های مزبور بوده است؛ به‌ویژه همسایگی این استان با اتحاد جماهیر شوروی سابق و قرارگرفتن در محل ترانزیت کالا و مسافر، جذب توریست و... هم در تغییر گفتمان قدرت در خانواده گیلانی نقش زیادی داشته است و هم خانواده‌های مزبور را به لحاظ گفت‌وگو و عقلانیت ارتباطی با تناقضات جدی مواجه نموده است.

با این مقدمه، سؤالات عمده این مطالعه آن است که به لحاظ گفت‌وگو سنخ‌های مختلف خانواده در شهر رشت کدامند؟ خانواده مدنی یا گفت‌وگومحور چگونه فهم می‌شود؟ و خانواده آرمانی با سرمایه‌های اجتماعی - فرهنگی مختلف چگونه بر ساخت می‌گردد؟

۲. پیشینه تجربی

پیشینه در مطالعات، به مثابه ردگیری تحقیقات کیفی و کمی در خصوص موضوع پژوهش است که در ساخت مفاهیم الهام‌بخش تحقیقات کیفی خواهد شد. در تحقیقات میدانی داخلی، پژوهش هاتفی‌راد (۱۴۰۱) نشان داد تجربه غامض گفت‌وگو-تک‌گویی در خانواده‌های یزدی وجود دارد که مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری آن محدودیت ساختاری جامعه از قبیل نبود شناخت و آموزش صحیح، نحوه تربیت خانواده‌ها، وجود تابوها و تعصبات، تفاوت‌های فرهنگی زوجین، استعمال مواد مخدر و روابط خارج از چهارچوب است. پژوهش چرستانی (۱۴۰۰) نشان داد که پنج عامل گفت‌وگو در پایداری زندگی زوجین در خانواده‌های ایرانی مؤثر است: مهارت‌های ارتباطی، گفت‌وگوی آگاهانه، برنامه‌ریزی برای گفت‌وگو، گفت‌وگوی پرمحتوا و خوش‌بینی نسبت به نتایج گفت‌وگو.

ملایی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی دریافتند که زبان در کاهش یا افزایش تعارض زناشویی نقش عمده‌ای دارد و کنترل‌نکردن آن، موجب درگیری‌های فراوان و خشونت‌های کلامی بین زوجین و سرانجام باعث جدایی عاطفی و در نهایت طلاق آن‌ها می‌شود. طهماسبی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی در خصوص خانواده‌های سالم دریافتند که خانواده ایرانی، رو به مدرنیته در حال حرکت است. البته این خانواده، جایگاه محکمی روی طیف سنت و مدرنیته ندارد؛ به طوری که در برخی روابط، به سنت نزدیک‌تر و در برخی دیگر به مدرنیته نزدیک‌تر است. اجرای برنامه‌هایی با هدف آگاه‌سازی خانواده‌ها نسبت به آسیب‌های فرزندسالاری، شیوه‌های تربیتی صحیح و آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله به افراد خانواده در سطوح و سنین مختلف، می‌تواند اثرگذاری مثبتی بر سلامت و استحکام خانواده‌های ایرانی داشته باشد.

قانع‌راد (۱۳۹۶) در پژوهش اسنادی تحت عنوان «زوال پدرسالاری» تأکید کرد که خانواده ایرانی در وضعیت ابهام‌انگیز و در میانه «فروپاشی» و «مدنی‌شدن» به عنوان دو امکان قرار دارد. جامعه ایرانی هم‌زمان با دو «خانواده گسسته (فروپاشیده)» و «خانواده مدنی» روبه‌روست.



نتایج پژوهش گودرز ناصری و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد که مدیریت منزل در خانواده سالم باید به صورت مشترک باشد. مدیریت ارتباطات در خانواده سالم به صورت برقراری شادی و نشاط در خانواده، کنترل خشم، ارتباط با خانواده همسر و ارتباط با اعضای غیر خانواده... است که برای دستیابی به این مهم، هم زن و هم مرد باید به صورت مشترک عمل کنند. نتایج پژوهش خاکپور و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد که بین سازگاری زناشویی با ساخت قدرت رابطه وجود دارد و هرچه ساختار قدرت بیشتر به تصمیم‌گیری مشارکتی متمایل باشد، سازگاری زناشویی بیشتر است.

نتایج پژوهش پناغی و همکاران (۱۳۹۳) بر خانواده‌های ایرانی نشان داد که وجود صمیمیت و احترام متقابل، محبت و تفاهم اعضا به عنوان ملاک‌های خانواده سالم هستند. سامانی و بهبهانی (۱۳۹۰) در پژوهشی تأکید داشتند که خانواده‌های سالم به طور معناداری از گفت‌و شنود بیشتری در مقایسه با دیگر گونه‌ها استفاده می‌کنند. پرویزی و همکاران (۱۳۸۸) در طی تحقیق خود دریافتند نوجوانان بر اهمیت درک شدن توسط والدین و ضرورت ارتباط صمیمی بین والدین - فرزندان، تحمل خطای فرزندان، باورهای مذهبی و محدود نبودن در خانواده به عنوان ویژگی‌های خانواده سالم اشاره کرده‌اند.

مظاهری و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی دریافتند که فاصله قابل توجه نسلی در حوزه ساختار و کنش خانواده (در سطح ادراک شده و ایدئالی) وجود ندارد و بیشتر خانواده‌ها در نظام خانوادگی متعادل جای دارند. البته هر سه عضو مورد مطالعه خانواده یعنی والدین و فرزند، ساختار ایدئالی خانواده خود را به صورت «بی‌نظم - پیوسته» ترسیم کرده‌اند و به عبارت دیگر خواهان پیوستگی و انعطاف‌پذیری بیشتری هستند.

آزادارمکی (۱۳۸۶) در پژوهشی در خصوص خانواده دریافت که خانواده ایرانی بدون درک جامعه جدید در قالب مدرنیته ایرانی ممکن نیست و خستگی خانواده ایرانی ناشی از فشارها و تنگناهاست، ولی این به معنای فروپاشی و افول خانواده نیست. نتایج تحقیق مهدوی و صبوری خسروشاهی (۱۳۸۲) نشان داد ساختار قدرت در خانواده‌های جنوب شهر تهران غیردموکراتیک‌تر و در شمال شهر دموکراتیک‌تر بوده است و عواملی نظیر سطح تحصیلات، اشتغال زنان و مشارکت زن در انتخاب همسر باعث مجاب‌سازی و دموکراتیزه شدن خانواده می‌گردد. طبق پژوهش عرفانی اکبری (۱۳۷۸) ارتباط مؤثر سنگ زیربنایی خانواده سالم و موفق است. ارتباط درمانی زوجین توانسته است مشکلات مربوط به صمیمیت، توافق، علاقه، محبت و میزان پایبندی به تعهدات زوجین را افزایش دهد.

در بخش تحقیقات خارجی نیز بر اساس نتایج مطالعات کار و کلاس^۱ (۲۰۱۷)، افراد خانواده‌هایی که توازن انسجام و انعطاف‌پذیری و ارتباطات قوی دارند، صرف‌نظر از میزان سختی که تجربه کرده‌اند، مقاومت بیشتری نشان می‌دهند. کورایی^۲ و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند که شیوه ارتباط، حل تعارض مناسب، حمایت، توجه، احترام، قدردانی از یکدیگر، ویژگی‌های شخصیتی، مسئولیت‌پذیری، صمیمیت و کیفیت رابطه جنسی، کیفیت زندگی مشترک، گذراندن وقت و تفریحات، هم‌خوانی زوجین، انعطاف‌پذیر بودن، تعهد و وفاداری، داشتن ارزش‌ها، فرهنگ و تجارب معنوی مشترک و مسائل مالی و شغلی، روی هم رفته ۶۰٪ از واریانس موفقیت در ازدواج را تبیین کردند.

بر اساس پژوهش دانزاک^۳ (۲۰۱۱)، گفت‌وگو به مثابه یکی از عوامل یکپارچگی درونی زوج، تأثیر مهمی بر کل زندگی خانواده دارد. نتایج پژوهش مهنا و سامانی (۲۰۱۷) نشان داد والدین و خانواده‌های سالم در مقایسه با سایر انواع خانواده‌ها، اعتماد به نفس یا خودکارآمدی بالاتری دارند. کوئرزنر و فیتزپاتریک^۴ (۱۹۹۷) در فرایند یک پژوهش کمی دریافتند خانواده‌های دارای جهت‌گیری بالای گفت‌وگو، تعارضات کمتری دارند و از هم‌نوایی و سازگاری بالایی نیز برخوردارند. نتایج پژوهش مردیت^۵ و همکاران (۱۹۹۴) نشان داد سازگاری، ارتباط و همبستگی، سه شاخص مهم خانواده سالم در بین خانواده‌های چینی و تایوانی محسوب می‌شود.

در واکاوی تحقیقات قبلی می‌توان دریافت که اغلب پژوهش‌های مزبور جنبه کمی و پوزیتیویستی داشته‌اند. همچنین بیشتر در ذیل مفاهیم دیگر از قبیل رضایت زوجین و مهارت‌های زندگی با رویکرد فردی به پدیده «گفت‌وگو» پرداخته‌اند و «خانواده مدنی» را در سطح کلان و جامعه‌شناختی کمتر سوژه مطالعاتی خود قرار داده‌اند. در بین متفکران قدیم اعم از غربی و اسلامی، الگویی از خانواده سنتی را صورت‌بندی می‌کنند که در آن ضمن بازتولید خانواده و مناسبات جنسیتی بر بستر فرهنگ مردسالاری، بر امتناع گفت‌وگو و امکان مجادله تأکید می‌کند.

1. Carr & Kellas

2. Koraei

3. Danczak

4. Koerner; & Fitzpatrick

5. Meredith



۳. چهارچوب مفهومی

پژوهش‌های کیفی خصلتی استقرایی دارند و در ساخت مفاهیم و مقولات و تبیین واقعیت‌های موجود الهام‌بخش محقق به شمار می‌روند. اندیشه گیدنز در خصوص خانواده را می‌توان در رویکرد «ساختاربندی» وی تحلیل کرد. به زعم او، ساختار و عاملیت دو حوزه جدا از هم نیستند، بلکه بین این دو رابطه متقابل وجود دارد، آن‌ها دوروی یک سکه‌اند. به عبارت دیگر، هر کنش اجتماعی دربرگیرنده ساختاری است و هر ساختاری به کنش اجتماعی نیاز دارد. عاملیت و ساختار به گونه جدایی‌ناپذیری در فعالیت یا عملکرد جاری بشری در هم تنیده‌اند.

گیدنز تأکید دارد که زبان میانجی کردار اجتماعی است و به معنای دقیق کلمه، در تمام فعالیت‌های مختلفی که کنشگران اجتماعی در آن‌ها درگیرند دخالت دارد (گیدنز، ۱۹۹۰: ۲۴۵). در این باره، گیدنز استدلال می‌کند که مثال مشهور «جان لانگشاو آستین»، فیلسوف انگلیسی بهترین تمثیل برای تبیین این نکته است «واژگانی که در مراسم ازدواج به کار می‌روند، توصیفی از آن مراسم نیستند؛ بلکه بخشی از آن مراسم‌اند» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۳۰-۲۳۱).

به ادعای وی، بازاندیشی مشخصه کلیدی جوامع مدرن است. از این رو، در جوامع پیشامدرن غالباً «سنت» رفتار روزمره را هدایت می‌کرد، یعنی مرجعیت اعمال پیشین، تعیین‌کننده رفتار بود؛ در حالی که در جوامع مدرن، اعمال اجتماعی پیوسته در پرتو اطلاعات جدید مورد بازبینی قرار می‌گیرند (سیدمن، ۱۳۸۶: ۱۹۳). اینکه شما چه می‌کنید و چگونه رفتار می‌کنید، بیشتر بستگی به توافق و گفت‌وگو دارد. دیگر زن بودن و مرد بودن از نظر وظایف و هویت‌یابی معنای روشن و مشخصی ندارد و در چهارچوب سرنوشتی که به واسطه نقش آن‌ها، از پیش تعیین شده است زندگی نمی‌کنند. هویت‌مان باید بیشتر توسط خودمان کشف شود و نه به واسطه نقش‌های اجتماعی که بازی می‌کنیم (گیدنز، ۱۳۸۲: ۵۵).

گیدنز در عصر مدرن از فقدان رابطه ناب سخن می‌گوید؛ یعنی رابطه‌ای که اساس آن ارتباط عاطفی است و تداوم آن بستگی به منافع حاصل از چنین رابطه‌ای دارد. گیدنز در تفاوت بین رابطه آرمانی و واقعی می‌گوید: «یک رابطه خوب، یک وضعیت آرمانی است و بیشتر روابط موجود در جامعه حتی به آن نزدیک نمی‌شوند. البته درست است که رابطه

1. John Langshaw Austin

میان همسران، عاشقان، والدین و فرزندان معمولاً آشفته، پر از درگیری یا ناخوشایند است؛ ولی اصول دموکراسی هم حالتی آرمانی دارند و غالباً با وضع موجود فاصله زیادی دارند» (گیدنز، ۱۳۹۹: ۸۹). به باور او، رابطه خوب رابطه‌ای است که برابر باشد و در آن طرفین حقوق و وظایف برابری داشته باشند و به یکدیگر احترام بگذارند و بهترین را برای هم بخواهند. گفت‌وگو، پایه و اساس یک رابطه کارآمد است. در رابطه ناب اعتماد متقابل است، در آن فشار و خشونت وجود ندارد و دارای صمیمیت و دموکراسی احساسات است. ارزش‌های مزبور با نظام‌های دموکراتیک هم‌خوانی دارند.

روایت گیدنز از خانواده دموکراتیک با دیدگاه هابرماس^۱ مرتبط است. محور اصلی بحث‌های هابرماس درباره گفت‌وگو، در ذیل مفهوم کنش ارتباطی است. به نظر هابرماس، کنشی ارتباطی است که در آن کنشگران مشارکت‌گری که قادر به سخن‌گفتن هستند، با یکدیگر روابط شخصی برقرار می‌کنند و در پی رسیدن به درک و فهمی اجتماعی از وضعیت کنش و مسیرهای هماهنگ عمل هستند به آن منظور که بتوانند بر اساس پیش‌تفاهمی که دارند اعمال خود را با توافق و اجماع هماهنگ نمایند (هابرماس، ۱۹۸۴). وی کنش ابزاری را در مقابل کنش ارتباطی (توافق و فهم متقابل) و کنش استراتژیک قرار می‌دهد. چون کنش اجتماعی بر مبنای توافق و فهم متقابل است و کنش استراتژیک شکل خاصی از کنش اجتماعی است که به واسطه آن یک شخص نسبت به سایر افراد (و نه نسبت به اشیای طبیعی) نگرش ابزاری پیدا می‌کند. شرایط ایدئال گفت‌وگو، وضعیتی است که در آن اختلافات و تعارضات، در پرتو ارتباطی که کاملاً فارغ از فشار و سرکوب است و در آن تنها نیروی استدلال بهتر غلبه می‌یابد، به شکل عقلانی حل و برطرف می‌شوند (همان).

به زعم وی، چگونه سخن‌گفتن یا همان شیوه ارتباط ما با جهان چهار شرط لازم دارد: صداقت (رابطه سخن با سخنگو)، حقیقت (رابطه سخن با موضوع سخن)، فهم‌پذیری (رابطه میان سخن‌گفتن و زبان) و بالاخره مشروعیت (رابطه میان سخن‌گفتن و هنجارهای جامعه) (ادگار،^۲ ۱۳۹۵: ۲۴۰). اندیشه هابرماس در خصوص عقلانیت ارتباطی در کتاب «کنش ارتباطی» (۱۳۹۴) بسط مفهومی کتاب «دگرگونی ساختاری حوزه عمومی» (۱۴۰۰) است. او در کتاب اخیر بر این نکته تأکید می‌کند که خانواده بورژوازی عرصه خصوصی خود را از دست داده و آن فضای صمیمی که ناشی از گفت‌وگوست، هم با ورود عرصه

1. Habermas

2. Edgar



اقتصادی (بازار) و هم به خاطر معماری و ساخت و ساز شهرها و ساختمان‌ها رو به تحلیل رفته است: «در خانه‌های امروز یک جایگاه یا عرصه عمومی برای روابط عمومی اعضا وجود ندارد؛ زیرا چنین عرصه‌ای با نابودی سالن و اتاق‌هایی که جای ملاقات میهمانان بودند، از بین رفت» (هابرماس، ۱۴۰۰: ۲۱۹). در خانواده بورژوازی دیگر شاهد گفت‌وگوهای صمیمانه و ادبی نیستیم؛ بلکه با کوچک‌تر شدن عرصه خصوصی و دیوانی شدن خانواده و تأکید بر حوزه اوقات فراغت در ملأعام، دولت در جهت رؤیت پذیر کردن خانواده است. هابرماس در کتاب «کنش ارتباطی» به بسط و توسعه دیدگاه خود پرداخت و با ورود متغیر زبان به مفهوم عقلانیت ارتباطی توجه نشان داد. هابرماس معتقد است که خانواده بورژوازی با تناقضاتی در جامعه مدرن همراه است؛ از یک سو، عقلانیت ارتباطی و خودآیینی در خانواده مدرن بیشتر مشاهده می‌شود و از سوی دیگر، دولت با دیوانی کردن و قضایی سازی در حوزه خصوصی خانواده دخالت می‌کند و نهاد اقتصادی نیز از طریق الزامات شغلی و... بر خانواده اثر گذاشته است. هرچند به ظاهر موجب کاهش اهمیت مسئله ادیپی می‌گردد، اما بحران‌های بلوغ را در بین نوجوانان افزایش می‌دهد و مشکلات فرهنگی جدیدی خلق می‌گردد. در این فرایند ممکن است تعداد بیماران روان‌نژند کاهش پیدا کرده باشد، اما انواع اختلالات خودشیفتگی در نوجوانان و جوانان رو به افزایش است (هابرماس، ۱۳۹۴: ۷۷۴-۷۷۵).

با توجه به مطالب پیش گفته، هدف استفاده از چهارچوب مفهومی حساسیت نظری است؛ زیرا دانش مفهومی و نظری می‌تواند حساسیت پژوهشگر به داده‌ها را افزایش دهد (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸). بنابراین، رویکردهای نظری آنتونی گیدنز و یورگن هابرماس به شکل پسینی جهت حساسیت نظری و تفسیر داده‌ها الهام‌بخش این مطالعه خواهند بود.

۴. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر کیفی و روش گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش نمونه‌گیری هدفمند بود که طی آن ۳۵ نفر از مردم شهر رشت انتخاب شدند. در انتخاب نمونه‌ها، متغیرهای سن، جنس، تأهل، تحصیلات و شغل مورد توجه قرار گرفت.

مصاحبه با نمونه‌ها تا آنجا ادامه یافت که پژوهشگر به مرحله اشباع نظری دست یافت. این مصاحبه به صورت گفت‌وگوی عمیق با آن‌ها صورت گرفت و پاسخ مصاحبه‌شوندگان ضبط شد. مصاحبه‌های ضبط‌شده پس از نوشتار چندین بار مرور شدند و به شیوه تحلیل مضمونی مورد بررسی قرار گرفتند. در خصوص کیفیت پژوهش نیز از دیدگاه اساتید و محققان مختلف در گردآوری اطلاعات، اعتبار فرایند و فن اشباع، مقایسه یافته‌های متن با نتایج سایر تحقیقات، حضور طولانی مدت در محیط، ثبت و ضبط و مستندسازی داده‌ها، مقوله‌بندی مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی استفاده شد (فلیک، ۱۳۸۷: ۴۱۲).

برای بررسی خانواده واقعی و آرمانی (مدنی)، در خصوص نحوه گفت‌وگو، دلایل مشکلات و اختلال در گفت‌وگو، خانواده آرمانی یا ایدئال، پیامدهای فقدان گفت‌وگو و راهبردهای مناسب در گفت‌وگوی خانواده، سؤالاتی از مصاحبه‌شوندگان پرسیده شد. به منظور انجام مصاحبه‌ها، به صورت حضوری به منزل، محل کار، کافی شاپ، مغازه، دانشگاه، داروخانه و... مراجعه گردید و مدت زمان مصاحبه نیز حدود ۵۵۰ ساعت به طول انجامید. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها، به شیوه تحلیل مضمونی آترید-استرلینگ^۲ ارائه شده است. شبکه مضامین مزبور دارای شش مرحله آشنایی با متن، کدگذاری داده‌ها، جستجوی مضامین پایه^۳، مضامین سازمان‌دهنده^۴، مضامین فراگیر^۵ و تدوین گزارش نهایی است (آترید-استرلینگ، ۲۰۰۱: ۳۸۸). در مجموع، در فرایند مصاحبه‌ها یک مضمون فراگیر، ۳ مضمون سازمان‌دهنده، ۱۴ مضمون پایه و ۲۸ کد به دست آمد.

۵. یافته‌ها

مشخصات عمومی مصاحبه‌شوندگان شامل ۱۸ زن و ۱۷ نفر مرد، ۱۵ نفر متأهل و ۲۰ نفر مجرد، ۸ نفر دارای تحصیلات دیپلم، ۲ نفر فوق دیپلم، ۲۰ نفر لیسانس، ۵ نفر کارشناسی ارشد بودند. همچنین به لحاظ شغلی، ۳ نفر بیکار، ۷ نفر آزاد، ۲ نفر کارگر، ۲ نفر خانه‌دار، ۹ نفر کارمند و ۱۱ نفر دانشجو بودند.

1. Flick
2. Attride-Strling
3. Basic Themes
4. Organizing Themes
5. Global Themes



۱-۵. خانواده‌های موجود (واقعی)

یکی از سؤالات محوری تحقیق این بود که به لحاظ گفت‌وگو، سنخ‌های مختلف خانواده در شهر رشت کدامند که نتایج به شرح زیر بود.

جدول شماره ۲: شناسایی مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر خانواده‌های موجود (واقعی)

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
خانواده‌های موجود (واقعی)	خانواده مبتنی بر گفت‌وگو	دوستانه (صمیمانه)، احترام متقابل، قاعده‌مند، ابراز احساسات، صداقت
	خانواده مرزی	مهربانانه/پرخاشگرانه، برابری با تأکید بر منافع مردان، کاهش احترام، کاهش بروز احساسات
	خانواده مجادله‌آمیز	پرخاشگرانه، نابرابری، نبود راست‌گویی، نبود صداقت، نبود احترام متقابل

۱-۱-۵. خانواده مبتنی بر گفت‌وگو

نتایج تحقیقات دال بر وجود یکی از سنخ‌های خانواده مبتنی بر گفت‌وگو در جامعه مورد مطالعه است که چرستانی (۱۴۰۰)، آن را خانواده پایدار، گودرزناصیری و همکاران (۱۳۹۵) آن را خانواده سالم و مظاهری و همکاران (۱۳۸۸) و مهدوی و صبوری خسروشاهی (۱۳۸۲) آن را خانواده دموکراتیک سنخ‌بندی نموده‌اند. این‌گونه خانواده هرچند در سطح بسیار رقیق در جامعه مورد مطالعه وجود دارد، ولی شکل آرمانی و ایدئال آن هم هست. مشارکت‌کنندگان تحقیق بر این باورند خانواده مبتنی بر گفت‌وگو دارای روابط صمیمانه، دوستانه، صداقت، احترام متقابل، قاعده‌مند و قدرت ابراز احساسات هستند. ثریا ۲۹ ساله حسابدار می‌گوید:

«توی خانواده من سعی شده که صمیمت میان فرزندان و والدین به میزان کافی باشه تا اعضای خانواده بتونن به راحتی با همدیگه صحبت کنن و مشکل خودشون رو در جمع بگن».

پویان ۲۹ ساله تکنسین داروخانه می‌گوید:

«فرزندان به اندازه کافی با والدین خود رابطه صمیمانه ندارن و یا از اون‌ها ترس دارن که سرزنش یا تنبیه بشن؛ به همین علت مشکل و اشتباه خودشون رو نمی‌گن و همین می‌تونه باعث ایجاد مشکلات دیگه بشه... اما خانواده ما معمولاً همه باهم رفیقن و صادقانه باهم ارتباط دارن».

رضا ۲۷ ساله آرایشگر می‌گوید:

«فرزندان خانواده تلاش می‌کنن با حفظ احترام، نظرات خودشون را بیان کنن و گفت‌وگوها همراه با صداقت و دوستانه باشن».

خانواده مبتنی بر گفت‌وگو، خانواده مبتنی بر صمیمیت است. در یک خانواده صمیمی همواره بستر لازم برای گفت‌وگو و مذاکره فراهم است؛ نگرش مثبت به مسائل، فرصت اظهار نظر برای یکایک اعضای خانواده فراهم می‌کند و گوش دادن و تعلیق پیش داوری، از ویژگی‌های گفت‌وگو در چنین خانواده‌ای است.

۲-۱-۵. خانواده مرزی (گفت‌وگو/مجادله)

سنخ دیگر خانواده در بین مصاحبه‌شوندگان شهر رشت، آنومی یا مرزی است. منظور از موقعیت مرزی، حالتی از سست شدن یک ساختار و گذار به شرایطی دیگر است (ترنر، ۱۹۶۷: ۹۷). این سنخ از خانواده‌ها در مرز بین گفت‌وگو و مجادله قرار دارند. المیرا، ۳۵ ساله، کارگر و دارای تجربه طلاق می‌گوید:

«ما ۶ ساله که ازدواج کردیم و دقیقاً بعد از ازدواج وقتی شرایط خوب باشه، عادی و خوب و حمایتگر هستیم؛ اما خیلی پیش می‌یاد که وقتی مشکلی باشه، پرخاشگری کنم و وسیله‌ها رو بشکنم یا حتی همسرم رو بزدم».

سمانه ۲۴ ساله دانشجوی بر کاهش گفت‌وگو تأکید می‌کند و اینکه اگر توافقی هست، باز در نهایت تصمیم نهایی با پدر و مادر است:

«نمی‌تونم بگم فرد خاصی هست؛ چون همان طور که گفتم همه باهم یه تصمیم می‌گیریم، ولی برای حفظ احترام‌ها در آخر اگه تصمیم خیلی مهمی باشه بزرگ‌تر خانواده یعنی پدر می‌گیره و در نبودش به مادر سپرده می‌شه... به‌طور کلی احترام کاهش پیدا کرده و به‌سختی می‌تونیم به اشتراک نظر برسیم».

سحر ۲۶ ساله خیاط نیز در خصوص گفت‌وگوهای فردی و جمعی می‌گوید:

«در گذشته بیشتر پدرسالاری حاکم بود و تصمیم اول و آخر بر عهده پدر خانواده بود، اما امروزه تعامل توی خانواده رو به فزونی هست و اعضای خانواده خیلی از مواقع از تجربیات همدیگه استفاده می‌کنن و تصمیم نهایی رو باهم می‌گیرن... توی خانواده ما هم زمانی که هرکدوم تک‌به‌تک با همدیگه گفت‌وگو می‌کنیم، اوضاع بهتره».

موقعیت مرزی دلالت بر این واقعیت است که خانواده ایرانی از موقعیت پدرسالاری عبور کرده، ولی وارد مرحله پساپدرسالاری نشده است و در مرز پدرسالاری و پساپدرسالاری قرار دارد (قانع‌راد، ۱۳۹۶). افراد گاه در موقعیت گفت‌وگو و گاه در موقعیت مجادله به سر



می‌برند. سوژه‌ها در خانواده مزبور در وضعیت آستانه‌ای قرار دارند. هاتفی‌راد (۱۴۰۱) نیز این‌گونه از خانواده‌ها را «خانواده گفت‌وگو-مونولوگ» و طهماسبی و همکاران (۱۳۹۶) آن را «سنتی-مدرن» مقوله‌بندی کرده‌اند.

۳-۱-۵. خانواده مبتنی بر روابط مجادله‌آمیز

نتایج تحقیق حاکی از آن است که یکی از سنخ‌های خانواده ایرانی، خانواده جدال‌آمیز است (ملایی و همکاران، ۱۳۹۷). این نوع از خانواده توسط قانع‌راد (۱۳۹۶) «خانواده گسسته» و مهدوی و صبوری خسروشاهی (۱۳۸۲) «خانواده نامتقارن» نام‌گذاری شده است. منظور از خانواده مجادله‌آمیز در این پژوهش خانواده‌ای است که اعضای آن سعی بر تحکم و برخورد دستوری دارند زمانی که یکی از اعضا بخواهد تصمیم‌گیری بر طبق میل او باشد، وارد جدال با سایرین می‌شود. این تحکم می‌تواند از فرهنگ جامعه آمده باشد. نیلوفر ۲۹ ساله، متأهل و مهندس کشاورزی می‌گوید:

«توی خانواده ما، من و شوهرم تمام تلاشمون رو می‌کنیم که با بچه‌ها صحبت کنیم؛ اما خب بعضی بی‌احترامی‌های اون‌ها ما رو ناراحت و شوکه می‌کنه».

محمد ۲۵ ساله و فروشنده مغازه بر قدرت پدر در خانه تأکید دارد:

«توی خانواده من، تصمیم‌گیرنده اصلی پدرم هست؛ اما پدرم بعد از اینکه خودش تصمیم گرفت، اون رو با ما در میون می‌ذاره».

حسین ۲۹ ساله معلم معتقد است:

«در موارد چالش برانگیز، همراه با تحکم و بحث و جدل است و هر کس سعی داره نظر خودش را به دیگری تحمیل کنه».

مژگان ۲۶ ساله دانشجو نظر مشابهی دارد:

«توی خانواده ما اغلب گفت‌وگوها پر خاشک‌گرانه هست، مگر گفت‌وگو بین مادر و فرزندان».

در این سنخ از خانواده‌ها، قدرت نامتقارن و عمودی و ژرف ساخت آنان مبتنی بر جدل است که رابطه بر منطبق برنده-بازنده استوار است. کشف حقیقت در این فرایند مشکل می‌شود؛ زیرا تنها در صورتی می‌توان از طریق گفت‌وگو و توافق با دیگری به شناخت و فهمی واقعی از واقعیت آن‌گونه که هست، دست یافت که خواست و اراده اشخاص هدایت‌گر فرایند گفت‌وگو نباشد.

۲-۵. خانواده آرمانی

منظور از خانواده آرمانی، خانواده خوب و ایدئال است. به لحاظ نظری، هابرماس آن را «کلام آرمانی» (۱۹۸۴)، گیدنز (۱۳۹۹) «خانواده مشورتی» (۱۳۹۹) و قانع‌راد (۱۳۹۶) «خانواده مدنی» نام‌گذاری کرده‌اند. در این پژوهش، مصاحبه‌شوندگان ویژگی‌های خانواده آرمانی را دارای عناصری می‌دانند که در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول شماره ۳: شناسایی مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر، در مورد خانواده ایدئال (آرمانی)

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
خانواده ایدئال (آرمانی)	گفت‌وگو	زمان گفت‌وگو، طول مدت گفت‌وگو، گفت‌وگومحوری، ابراز گفت‌وگو، مشورت در خانواده، کشش گفت‌وگو
	آزادی	آزادی در بیان، آزادی در عمل
	شنونده‌بودن اعضای خانواده	گوش کردن، شنوای بودن
	درک متقابل	درک احساسات
	صداقت	راستی، درستی
	احترام متقابل	احترام متقابل، حفظ حرمت
	دارای صمیمیت	روابط دوستانه، روابط صمیمی، ابراز احساسات
	عدم ترس از یکدیگر	عدم ترس، عدم نگرانی
	حمایت از یکدیگر	حمایت از خانواده، احساس امنیت
	تفاهم	تفاهم در خانواده، وجود عقاید مشترک

۱-۲-۵. گفت‌وگومندی

یکی از شاخص‌های مهم خانواده مشورتی، گفت‌وگومندی است که موجب هم‌دلی بین اعضای خانواده و تقویت کنش اجتماعی می‌شود و زیست جهان مشترکی در بین اعضای خانواده ایجاد می‌کند. المیرا، ۳۵ ساله، دیپلمه و متأهل، خانواده آرمانی را در گفت‌وگوهای متقابل تلقی می‌کند:



«به نظرم خانواده‌ای که درک متقابل داشته باشن و احترام گذاشتن رو درک کنن، هر موضوع کوچیکی رو تبدیل به یه دعوا و بحث نمی‌کنن؛ و آگه باهم صادق باشن و با صحبت کردن دنبال راه حل باشن، درنهایت به یه توافق دوطرفه می‌رسن».

نیلوفر ۳۳ ساله، متأهل و فروشنده لباس نیز گفت وگویی بین اعضای خانواده را راه حل مناسب می‌داند:

«به نظر من گفت وگو توی خانواده می‌تونه زودتر مشکلات رو حل کنه و از مشکلات آینده جلوگیری کنه و بهتره که صداقت و احترام بین اعضای خانواده وجود داشته باشه».

تأکید و تصریح اغلب مصاحبه‌شوندگان بر گفت وگو، دلالت بر فقدان آن در خانواده‌ها دارد. گفت وگومندی بدون دیگری قابل حصول نیست و ذهنیت بین‌الذهانی، درک، همدلی و تعامل با دیگران را می‌طلبد. در رابطه گفت وگومند، افراد به جای شیء شخص تلقی می‌گردند و زمینه رسوخ به ذهن دیگری را فراهم می‌کنند. به مدد گفت وگو، تلاش افراد نه پیروزی و غلبه بر دیگران، بلکه صحبت کردن برای رسیدن به افق مشترک است.

۲-۵. آزادی

مضمون استخراج شده آزادی، بیان‌گر آن است که احساس آزادی داشتن در بین اعضای خانواده چه آزادی بیان و چه آزادی در عمل، موجب شاداب‌تر شدن اعضا می‌شود و این که خانواده را بنیادی امن برای گفت وگو بدانند. گیدنز (۱۳۹۹) چنین خانواده‌ای را در عصر مدرن «خانواده دموکراتیک» تلقی می‌کند.

فاطمه، متأهل و خانه‌دار بر این باور است:

«یک خانواده ایدئال خانواده‌ای هست که همه افراد خانواده نظرشون رو بیان کنن و حرف‌هاشون رو بززن. حرف چه درست چه غلط مطرح بشه؛ حتی بچه‌ها و افراد کم‌سن‌وسال خانواده که تجربه کمتری دارن. از قدیم گفتن که توی هر سری یه فکری هست و چند تا فکر بهتر از یه فکره و اینکه گفت وگویی خوب و ایدئال باید در نتیجه منطقی و عقلانی باشه».

نیمیا ۳۳ ساله و لباس‌فروش، بر آزادی عمل تأکید دارد و اینکه آزادی با فرهنگ ارتباط دارد و در فرهنگ سنتی مجال کمتری برای آزادی و عاملیت اعضای خانواده وجود داشت و اینک آزادی آرمان خانواده مدرن است و فرهنگ سنتی مورد بازاندیشی قرار گرفته است:

«تابوها و فرهنگ قدیمی گارد داشتن نسبت به خیلی چیزهایی که هرکسی شاید براش راحت قابل قبول نباشه. یه خانواده ایدئال، خانواده‌ای هست که آزادی عمل داشته باشن».

بنابراین، کنش ارتباطی و گفت‌وگوی معطوف به تفاهم و توافق، به رهایی از سلطه و قدرت رهنمون می‌شود که مقصود و مطلوب کنشگران ارتباطی است. در واقع، کنش ارتباطی، کنشگران را وادار به تأمل و بازنگری در مورد کنش، تعیین مسیر کنش‌های سیاسی-اجتماعی، اجتماعی (توافقی) نمودن نقشه‌های عمل جمعی و تقویت خودمختاری مسئولانه در پرتو آزادی و برابری می‌کند.

۳-۲-۵. شنونده بودن اعضای خانواده

در خانواده مدنی در بین حواس آدمی، گوش از اهمیت خاصی برخوردار است. طبق نظر مصاحبه‌شوندگان، شنونده بودن اعضای خانواده و شنیدن سخن یکدیگر بدون پیش‌داوری باعث می‌شود روابط صمیمانه‌تری بین اعضای خانواده شکل بگیرد که این روابط صمیمانه، احساس مثبتی را پدید می‌آورد. در صورتی که طرفین گفت‌وگو بخواهند برتری و قدرت خودشان را با اثبات باورهای خویش نشان دهند، به جدل و عرصه ستیز و نبرد باورها تبدیل می‌شود. اشخاص تنها در صورتی می‌توانند طرفین اصیل گفت‌وگوی یکدیگر باشند و یکدیگر را سرکوب نکنند که به قول گادامر (۱۹۸۰) به زبان خود موضوع گوش بسپارند؛ زیرا گوش سپردن به زبان خود موضوع سبب می‌شود که ما همواره خودمان را نقض و ابطال کنیم و باورها و پیش‌داوری‌های خودمان را در پراتز قرار دهیم. علی ۲۴ ساله و دانشجو بر عنصر شنیدن تأکید دارد:

«اعضای خانواده، شنونده خوبی برای هم باشن و توی بعضی از خانواده‌ها فرزندان ترس نداشته باشن از صحبت کردن و یا ترس از اینکه اشتباهی کرده باشن و نتونن اون رو به زبون بیارن؛ چون مورد تحقیر تمسخر و... قرار می‌گیرن».

هادی ۲۹ ساله و کارمند برق نظر مشابهی دارد:

«به نظرات همه گوش بدن و اعضای خانواده ظرفیت بالایی داشته باشن تا همه اعضا بدون هیچ ترسی ابراز وجود کنن و دغدغه‌های خودشون رو با همدیگه مطرح کنن».

غزل ۲۳ ساله معلم می‌گوید:

«شنونده خوبی باشن و خانواده‌ای که اعضای اون حرف‌های همدیگه رو بشنون، البته برای درک کردن نه برای پاسخ دادن».

در نوع سوم، خصوصیت اصلی همانا بازبودن و گشوده بودن اساسی «من» در برابر «تو»



است. بدون چنین گشودگی ای هرگونه تماس واقعی انسانی ناممکن است. به بیان گادامر (۱۹۹۴)، به یکدیگر تعلق داشتن، همواره به معنی توانایی گوش فرادادن به یکدیگر است.

۴-۲-۵. درک متقابل

خانواده مدنی ذهنیت متفاوتی نسبت به خانواده سنتی دارد؛ زیرا اعضای آن قدرت «شخصیت انتقالی» دارند و افراد به دنبال توافق، رابطه ناب و خارج از مناسبات ابزاری بر اساس دیدگاه گیدنز (۱۳۸۸) هستند. اغلب مصاحبه شوندگان معتقدند خانواده مدنی دارای درک همدلانه است. افراد باید خود را در جای دیگری قرار دهند و توانایی فهم دیگری را کسب کنند. سحر ۲۶ ساله، خیاط و متأهل می‌گوید:

«خانواده ایدئال خانواده‌ای هست که همدیگر رو درک کنن. همیشه احترام هم رو داشته باشن و مهم‌ترین تصمیمات با همفکری ایجاد بشه و آگه اشتباهی از یکی سر بزنه، ترسی نداشته باشه و همانند دوست پشت هم باشن».

محمد ۲۵ ساله و فروشنده مغازه بر درک متقابل تأکید دارد که در آن افراد به کمک دیالوگ همدلانه سعی میکنند به فهم بهتر دنیای دیگری دست یابند:

«گفت‌وگوها اکثر مواقع به صورت بحث بین پدر و مادر هست که گاهی به مشاجره و درنهایت قهر تبدیل می‌شه. خانواده خوب خانواده‌ای هست که احساسات همدیگر رو درک کنن و انتقادپذیر باشن».

بنابراین، فهم دیگری مشروط به درک متقابل است و زبان مشترکی بین اعضای خانواده خلق خواهد کرد. این درک هرچند عینی است، اما به نحو بین‌الذہانی در اعضای خانواده‌ها شکل می‌گیرد.

۵-۲-۵. صداقت

با توجه به نظر مصاحبه شوندگان، داشتن صداقت مهم‌ترین اصل اعتماد در خانواده است و اگر به گفته‌های فرد مقابل اطمینان وجود نداشته باشد، بقیه اصول گفت‌وگو زیر سؤال می‌رود. صداقت را می‌توان زیربنای گفت‌وگو و بنیاد خانواده دانست.

مژگان می‌گوید:

«خانواده ایدئال خانواده‌ای هست که توی گفت‌وگو صداقت در گفتار داشته باشن و اعضا یکدیگر رو قضاوت نکنن. توی خانواده ما اغلب گفت‌وگوها پرخاشگرانه هست، مگه گفت‌وگو بین مادر و فرزندان».

رضا ۲۷ ساله و آرایشگر معتقد است:
 «خانواده ایدئال خانواده‌ای هست که دروغ توی خانواده نباشه، در بیان احساسات راحت باشن، به حرف‌های هم گوش بدن و قضاوت نکنن».
 سحر ۲۶ ساله و خیاط بر صداقت به مثابه عنصر مهم گفت‌وگو تأکید دارد:
 «من می‌ترسم بگم فلان جا میخوام برم، چون صداقتی در کار نیست به خاطر ترس. بهتره صداقت توی خانواده باشه».
 صداقت به مثابه ارزش اجتماعی در خانواده‌ها، هم ریشه اخلاقی و هم الهیاتی دارد. هابرماس (۱۹۸۴) آن را از شروط مهم گفت‌وگو و عقلانیت ارتباطی تلقی می‌کند و اینکه «گوینده باید صادق باشد»، یکی از گزاره‌های معروف کلام آرمانی هابرماس است.

۶-۲-۵. احترام متقابل

یکی از مزایای اجتماعی که افراد برای آن تلاش می‌کنند، پدیده احترام است. از شرایط گفت‌وگو، احترام متقابل است که برای خانواده مدنی حائز اهمیت است. با توجه به موقعیت آنومیک، برخی خانواده‌ها از فقدان این ارزش اجتماعی رنج می‌برند. بهنام دانشجوی کارشناسی در این باره می‌گوید:

«خانواده ایدئال باید توی بیان نظرات، احترام متقابل و برابری رو رعایت کنن و همچنین بتونن به صحبت‌های هم با آرامش کافی گوش بدن و توی اون همبستگی وجود داشته باشه تا افراد خانواده صریح‌تر و راحت‌تر نظرات همدیگه رو بیان کنن و به نظرات هم گوش بدن».

حمیرا ۲۱ ساله و دانشجو منظر مشابهی دارد:

«یک خانواده ایدئال، خانواده‌ای هست که توی گفت‌وگوها و مشورت‌ها صداقت وجود داشته باشه و توی بحث‌ها و هنگام خشم و عصبانیت، افراد خونسردی خودشون رو حفظ کنن و حرمت همدیگه رو نگه دارن و هنگام شادی همدم هم و در هنگام غم، غمخوار همدیگه باشن و کلاً به هم احترام متقابل بذارن».

عاطفه ۳۵ ساله بر این باور است:

«خانواده‌ها به طور مرتب در طول ماه جلسات هفتگی یا ماهیانه برای صحبت و مشورت و گفتگو بر سر مسائل همدیگه داشته باشن و خانواده ایدئال خانواده‌ای هست که همیشه احترام هم رو داشته باشن».

یافته‌های مزبور حاکی است که احترام متقابل، کنشی معنادار و مبتنی بر هدیه است. آن، امری تعاملی و مبادله‌ای است و اجرای آن آیینی است. احترام متقابل، پیوند و همبستگی اجتماعی در خانواده را در پی دارد و از نشانگان خانواده مدنی تلقی می‌شود.



۷-۲-۵. صمیمیت

صمیمیت زمانی شکل می‌گیرد که روابط افراد دوستانه باشد. روابط دوستانه، افراد را به یکدیگر نزدیک و حل مسائل پیرامون را ساده‌تر و همدلی را بیشتر می‌کند. صمیمیت در خانواده می‌تواند موجب شود احساس نیاز به ارتباط با افراد خارج از خانواده کمتر شود و فرد برای حل تعارضات در زندگی در خانواده و به کمک اعضا به دنبال راه حل بگردد. مسعود ۲۷ ساله و مکانیک معتقد است:

«رابطه والدین و فرزندان باید به رابطه دوستانه باشد. اگر فاصله بین فرزندان و والدین وجود داشته باشد، باعث ایجاد مشکلات بیشتری برای فرزند می‌شود که ممکنه توی درازمدت دیگه قابل جبران نباشه و به عبارتی دیگه کار از کار گذشته است».

سپیده ۲۸ ساله بر این باور است:

«خانواده ایدئال خانواده‌ای هست که صمیمیت توی اون موج بزنه. متأسفانه توی هیچ‌یک از زمان‌ها گفت‌وگو نبوده، چون نسله‌ها درک مشترکی از شرایط و مسائل نداشتن».

زکیه ۳۰ ساله نیز عقیده دارد:

«از نظر من به خانواده ایدئال خانواده‌ای هست که توی هر شرایطی همدیگه رو دوست دارن و برای هم ارزش و احترام قائلن و در هر شرایطی هرکدوم از اعضا بتونن در کمال صداقت حرف خودشون رو بزنن و آرامش و دوستی و حس دوست داشته شدن در وجود اون‌ها باشه. در کل احترام متقابل بین آن‌ها باشه».

وجه نمادین صمیمیت خانواده‌ها، توانایی بروز احساسات است که این وجه ابرازی در خانواده‌ها به‌ویژه در بین مردان وجود نداشت. با آمدن مدرنیته و به‌زعم گیدنز (۱۳۹۹) بازاندیشی در نهادهای سنتی، مردان در کنار سایر اعضای خانواده توانایی ابراز احساسات پیدا کردند. ستار، ۲۱ ساله، دانشجو می‌گوید:

«خانواده ایدئال خانواده‌ای هست که قبل از هر چیزی با همدیگه دوست باشن و بتونن با هم راحت صحبت کنن. احساسات خودشون رو توی موضوعات مختلف نسبت به هم بروز بدن و تصمیمات رو باهم بگیرن».

به‌طورکلی، یکی از کارکردهای خانواده در جامعه مدرن کارکرد عاطفی است. در این باره، مصاحبه‌شوندگان خانواده آرمانی و مدنی را به لحاظ عاطفی ملایم و دلسوز دانستند؛ به‌گونه‌ای که اعضای آن قادر باشند احساسات خود را بروز دهند. یکی از شاخص‌های عمده عقلانیت ارتباطی و گفت‌وگومندی، صمیمیت است که از نظر هابرماس (۱۹۸۴) اساس آن بر کنش ارتباطی و کنش مشارکتی است و علاوه بر سلامت روانی و تجارب سالم اولیه، نیازمند کسب مهارت‌ها و انجام وظایف خاصی است.

۸-۲-۵. عدم ترس از یکدیگر

ترس دارای ابعاد زیستی، روانی، اجتماعی و زیباشناختی است. هم خصلت سازنده و هم خصلت ویرانگر دارد. مضمون استخراج شده «ترس از یکدیگر»، نشان دهنده این است که ترس از یکدیگر در بین اعضای خانواده موجب فاصله مندی می‌شود و هم شرایط و ضرورت گفت‌وگو را فراهم می‌کند. ترس با ارزش‌های دیگر پیوند دارد و منجر می‌شود صداقت، صمیمیت، احترام واقعی و احساسات مثبت کاهش یابد که این اتفاق زیربنای خانواده سالم و گفت‌وگومحور را از بین خواهد برد.

زها ۲۶ ساله و دانشجوی کارشناسی می‌گوید:

«فارغ از مسئله حاکم بودن صمیمیت اعضای خانواده با همدیگر که خیلی راهگشاست، اعضای خانواده باید ظرفیت بالایی داشته باشن تا همه اعضا بدون هیچ ترسی ابراز وجود کنن و دغدغه‌های خودشون رو با حفظ احترام متقابل با هم مطرح کنن و در نهایت روادارانه به مسائل بنگرن».

مریم ۲۲ ساله و دانشجو معتقد است:

«خانواده ایدئال خانواده‌ای هست که توی اون ترس نباشه. بیشتر مواقع ترس از قضاوت و تنبیه شدن، مانع ابراز وجود و عدم صداقت بین اعضای خانواده می‌شه».

بنابراین، ترس هم پایه بدن مندی دارد و هم پایه روانی و اجتماعی. نبود آن خانواده‌ها را ترغیب می‌کند برای دستیابی به آن تلاش کنند؛ همان‌طور که ترس انسان از انسان، منجر به تشکیل «دولت» و «قاعده مالکیت» شد. تعدیل ترس فرصت گفت‌وگوی اعضای خانواده‌ها را فراهم خواهد کرد.

۹-۲-۵. حمایت از یکدیگر

مضمون استخراج شده «حمایت از یکدیگر» شکل مبادله‌ای دارد و این مبادله دارای منطقی «هدیه» است که موجب بسط احساسات و گفت‌وگومندی و پرهیز از نگاه ابزاری در خانواده می‌شود. همچنین، کارکرد دیگر «خانواده حامی» موجب می‌شود افراد کارها را با نیروی بیشتری انجام دهند و در صورت اشتباه احساس تنهایی و سرخوردگی نکنند.

بهنام ۲۰ ساله و دانشجو می‌گوید:

«سایر اعضای خانواده نقش حمایت‌کننده داشته باشن. توی خانواده‌هایی که افرادش شخصیت‌های عصبانی و زودجوش دارن، یا اینکه انتقادپذیر نیستن و حتی افرادی که می‌خوان حرف حرف خودشون باشه، توی این جور مواقع گفت‌وگوها یا صورت نمی‌گیره یا اصلاً نتیجه‌ای نداره».



به نظر می‌رسد بدن مشارکت‌کنندگان به جای خانواده مجادله‌ای خانواده حامی را طلب می‌کند. در خانواده حامی اعضای خانواده دارای آرامش بدنی، روانی و اجتماعی است؛ بنابراین، پدر یا والدین حامی در مقابل پدر یا والدین سخت‌گیر قرار دارند. پدر یا والدین سخت‌گیر فاقد اقتدار لازم در اعمال قدرت در خانواده هستند. برعکس، پدر یا والدین حامی شرایط گفت‌وگو را در خانواده فراهم می‌کنند و به جای قدرت از مکانیسم اقتدار در جهت اعمال قدرت استفاده می‌نمایند.

۱۰-۲-۵. تفاهم

تفاهم از طریق گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز شکل می‌گیرد و مبنای رسیدن به تفاهم، گفت‌وگوست. تفاهم بین افراد توافق و هم‌زبانی نیز ایجاد می‌کند که موجب رسیدن به نتیجه بهتر خانواده در اهدافش می‌شود. مهشاد ۲۲ ساله و دانشجو می‌گوید:

«توی خانواده ما هر نوع صحبت کردن بستگی به شرایط و زمان اون داره؛ گاهی پرخاشگرانه و گاهی مهربانانه هست و خانواده خوب خانواده‌ایه که بین اون‌ها تفاهم وجود داشته باشه».

مرد ۲۴ ساله و حسابدار معتقد است:

«همه افراد خانواده توی گفت‌وگو شرکت کنن، همدیگه رو درک کنن و در انجام امور یا نتیجه‌گیری‌ها عدالت رو رعایت کنن و صرفاً به نفع برای همه تصمیم نگیره».

زیست‌جهان مفاهمه، مجموعه‌ای از تفسیرها و تأویل‌های پذیرفته شده است که جنبه بین‌الذهانی دارد، رسیدن به فهم مشترک را تسهیل می‌کند و حرف‌های افراد را برای یکدیگر قابل فهم می‌سازد. تفاهم موجب عقاید مشترک می‌شود تا افراد از منظرهای مشابه به مسائل بنگرند و بتوانند با گفت‌وگو و استدلال برتر به اشتراک نظر برسند.

مصطفی ۳۰ ساله و کارمند در این باره می‌گوید:

«یه خانواده ایدئال از لحاظ گفت‌وگو از نظر من خانواده‌ای هست که شنونده خوبی برای نظرات افراد دیگه خانواده باشه و خانواده‌ای که عقاید مشترک بین اون‌ها وجود داشته باشه».

بنابراین، مفاهمه به‌زعم هابرماس (۱۹۸۴) راه را بر زیست‌جهان مشترک باز می‌کند. این رابطه منفعتی و شیء‌گونه نیست؛ بلکه زندگی، بودن و تصدیق دیگران است. مفاهمه به شکل جدا و انتزاعی در کنش ارتباطی اعضای خانواده نیست؛ بلکه به صورت منظومه‌وار با دیگر عناصر گفتگو از قبیل صداقت، صمیمیت، حمایت از یکدیگر، درک متقابل، برابری و... مرتبط است و در شکل‌گیری تخیل مشترک نوع جدیدی از خانواده نقش دارد که از آن به خانواده مدنی تعبیر می‌شود.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، مطالعه کیفی خانواده مدنی در بین خانواده‌های شهر رشت بود. برای درک خانواده مدنی باید به درکی از خانواده «اینجا-اکنونی» دست یافت. بر اساس نتایج، به لحاظ واقعی در عرصه گفت‌وگو سه گونه خانواده مختلف در خانواده‌های افراد مشارکت‌کننده مشاهده شد: خانواده‌های مجادله‌محور، خانواده‌های مرزی، خانواده‌های گفت‌وگومحور.

اولین تیپ، خانواده مجادله‌محور است. در این خانواده، افراد دارای مناسبات عمودی و نامتقارن و کمبود ارزش‌های جمعی از قبیل صداقت، صمیمیت، احترام متقابل و... هستند. خانواده مجادله‌محور، تداعی‌گر خانواده پدرسالار است که با نتایج پژوهش ملایی و همکاران (۱۳۹۷) درباره «خانواده جدال‌آمیز»، پژوهش قانع‌راد (۱۳۹۶) درباره «خانواده گسسته» و پژوهش مهدوی و صبوری خسروشاهی (۱۳۸۲) درباره «خانواده نامتقارن» همپوشانی دارد.

دومین سنخ، خانواده‌های مرزی است. این خانواده‌ها در مرز بین گفت‌وگو و مجادله به سر می‌برند. خانواده مرزی با سنخ «خانواده گفت‌وگو-مونولوگ» هاتفی‌راد (۱۴۰۱) و «خانواده پسایدرسالار» قانع‌راد (۱۳۹۶) همپوشانی دارد؛ زیرا در مرز بین جدال-گفت‌وگو به سر می‌برد و در گذار از خانواده پدرسالار به خانواده پسایدرسالار است. بنابراین، در واقعیت اجتماعی بخشی از خانواده‌های شهر رشت بر مبنای رابطه ناب و خانواده دموکراتیک بنا شده‌اند و مناسبات اجتماعی در بقیه خانواده‌ها نوعی کشمکش یا «مجادله» و همچنین ترکیبی از «مجادله-گفت‌وگو» دارد. همچنین در این ترکیب ژانوسی زمانی که افراد در حال گفت‌وگو هستند، به جدل فکر می‌کنند و هنگامی که به جدل می‌پردازند به گفت‌وگو فکر می‌کنند. این واقعیت مرزی با نتایج تحقیقات طهماسبی و همکاران (۱۳۹۶) و آزادارمکی (۱۳۸۶) همسویی دارد.

سومین سنخ، خانواده گفت‌وگومحور است که بر مبنای صمیمت، مهربانی، احترام و ابراز احساسات شکل می‌گیرد و تداعی‌گر دیدگاه نظری هابرماس (۱۹۸۴) در خصوص کلام آرمانی است. در خانواده‌های مزبور افراد بر مبنای کنش ارتباطی به اجماع و توافق می‌رسند و از مجادله و مناقشه فاصله می‌گیرند. خانواده‌های گفت‌وگومحور بسط استعاری مفهوم «خانواده مدنی» قانع‌راد (۱۳۹۶) و «دموکراسی مشورتی» آنتونی‌گیدنز (۱۳۹۹) است. این سنخ از خانواده، خانواده آرمانی مصاحبه‌شوندگان بوده است که با یافته‌های تحقیق چرستانی (۱۴۰۰)، گودرزن‌ناصری و همکاران (۱۳۹۵) و مظاهری و همکاران (۱۳۸۸) مطابقت دارد.



سؤال محوری این بود که خانواده آرمانی از دیدگاه خانواده‌های مورد مطالعه شهر رشت کدم‌اند؟

در سطح نخست، مشارکت‌کنندگان با توجه به اهمیت مردم‌سالاری در جامعه مدرن، خانواده آرمانی خویش را حاوی خوشه‌ای از ارزش‌های اجتماعی برساخت کردند که از اصول بنیادین دموکراسی تلقی می‌شوند. در مرتبه دوم، این سنخ از خانواده در سطح هرمنوتیک مضاعف «خانواده مدنی» تلقی شد. یکی از اصول خانواده آرمانی «گفت‌وگو» است. خانواده‌های مزبور برای رسیدن به اجماع، «گفت‌وگو» را راهبرد مناسب در خانواده‌ها دانسته‌اند. گفت‌وگو در دوره مدرن جایگزین مجادله در «خانواده مشورتی» شده است.

به‌زعم گیدنز (۱۳۹۹)، صحبت یا گفت‌وگو اساس یک رابطه کارآمد است. علاوه بر گفت‌وگو، آزادی یکی از اصول خانواده آرمانی و مدنی است که مشارکت‌کنندگان بدان اشاره کرده‌اند و در خانواده پدرسالار بدان توجهی نمی‌شد. در سیستم خانواده سنتی، به‌غیراز پدر، بقیه اعضای خانواده کمتر آزاد بودند. مشارکت‌کنندگان تأکید کرده‌اند که در خانواده آرمانی «افراد باید گوش شنوا داشته باشند»؛ این نکته تداعی‌گر جمله معروف گیدنز (۱۳۹۹) است که در خانواده سنتی «کودکان دیده می‌شوند، ولی شنیده نمی‌شوند».

همچنین مصاحبه‌شوندگان به «درک متقابل» به مثابه یکی از علائم خانواده مدنی و آرمانی پرداخته‌اند؛ بدین معنا که «رابطه ناب» در معنای گیدنزی (۱۳۹۹) بر ارتباط متکی است و درک و نگاه طرف مقابل در آن ضرورت دارد. مصاحبه‌شوندگان به دو عنصر «صداقت» و «صمیمیت» در خانواده آرمانی اشاره کرده‌اند که این دو عنصر به‌زعم گیدنز (۱۳۹۹) مفاهیم متأخرند و در خانواده سنتی مبنای ازدواج نبود، ولی در جامعه مدرن و خانواده مشورتی هم ابزار اصلی برقراری پیوند زوج در ابتدای کار و هم انگیزه حفظ این پیوند است. علاوه‌براین، صداقت و صمیمیت در کلام آرمانی هابرماس (۱۹۸۴) اساس کنش ارتباطی محسوب می‌شود. یکی از مفاهیم مهم گیدنز (۱۳۹۹)، «دموکراسی احساسات» است. مصاحبه‌شوندگان نیز معتقدند خانواده آرمانی نظامی است که اعضای آن بتوانند ابراز احساسات کنند و هراسی علیه یکدیگر نداشته باشند. افزون بر این موارد، مصاحبه‌شوندگان خانواده آرمانی و مدنی را دارای «تفاهم»، «حامی یکدیگر» و دارای «عقاید مشترک» دانسته‌اند. هرچند مشارکت‌کنندگان اظهار کرده‌اند که خانواده‌ها امروزه بیش از گذشته گفت‌وگومحورند، ولی باز به گفت‌وگوی بیشتری نیازمندند و مجادله همچنان به‌عنوان یک مسئله اجتماعی در خانواده‌ها وجود دارد.

خانواده آرمانی، امری نسبی و تابع زمان و مکان است و طی تحولات اجتماعی تغییر می‌کند. بنابراین، ممکن است در آینده متناسب با تغییرات و رُخدادهای اجتماعی شکل دیگری از خانواده یا مناسبات اجتماعی اهمیت پیدا کند و آنگاه افراد تفسیر دیگری از اتوپییای خانواده داشته باشند. هرچند خانواده مدنی واحدی در عرصه جهانی وجود ندارد، اما شاهد خانواده‌های مدنی در سطح جهانی هستیم که به زعم هابرماس (۱۹۸۴) «قواعد هنجاری» آن از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. در مجموع، خانواده مدنی محصول جامعه مدنی و نظام دموکراتیک است. همان‌طور که نظام‌های دموکراتیک با وجود بی‌عیب نبودن، نسبت به دیگر نظام‌های سیاسی کارایی بیشتری دارند؛ خانواده مدنی نیز ممکن است نواقص و محدودیت‌هایی داشته باشد، اما در شرایط جدید نسبت به سنخ‌های دیگر خانواده از کارآمدی، انعطاف و سازگاری بیشتری برخوردار است. خانواده مدنی زمان‌مند و مکان‌مند است، اجزای آن در دوره‌های مختلف متفاوت است و بر ساخت گوناگونی از آن وجود دارد.

مطالبه اغلب مصاحبه‌شوندگان، خانواده مدنی ایرانی مبتنی بر مفاهیم هم در سطح واقعی و هم در سطح آرمانی است. با وجود خواست عمومی، مناسبات خانوادگی مصاحبه‌شوندگانی که دارای سرمایه فرهنگی و اجتماعی بیشتری هستند، متقارن و گفت‌وگومحور است و میل گفتمانی خانواده مدنی در بین آن‌ها بیشتر است. بر اساس نتایج، خانواده‌هایی که دارای سرمایه فرهنگی و اجتماعی بیشتری بوده‌اند؛ مدنی‌تر، متقارن‌تر و گفت‌وگومحورند. این امر با نتایج پژوهش خاکپور و همکاران (۱۳۹۴)، مهنا و سامانی (۲۰۱۷)، مردیت و همکاران (۱۹۹۴) و کونر و فیتزپاتریک (۱۹۹۷) همسویی دارد. علاوه بر سرمایه فرهنگی و اجتماعی، خانواده مدنی با مؤلفه‌های جنس و سن نیز گره خورده است؛ بدین معنا که جوانان و زنان به ویژه زنان متأهل بیشتر خانواده مدنی را صدا می‌زنند. افراد مزبور برای نظم در خانواده به جای «قدرت»، «اقتدار» را طلب می‌کنند. خانواده مدنی ممکن است به سان سایر سازه‌های اجتماعی مشکلات و چالش‌هایی داشته باشد، ولی تناقضات آن نسبت به خانواده جدلی کمتر است و سازگاری بیشتر با جامعه مدرن دارد. هرچند این مطالعه که به روش کیفی انجام شد، از اعتبار داخلی و عمق مطلوبی برخوردار است؛ اما باید از تعمیم آن به کل جامعه آماری و سطح کشور امتناع کرد و پژوهش‌های دیگر به ویژه مطالعات کمی خلأ و محدودیت‌های آن را به طور قابل توجهی تکمیل خواهند کرد.



همچنین، برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌های گفت‌وگومحور، مهارت‌های زندگی و آموزش خانواده در خانواده‌هایی آسیب‌پذیر، موجب تحکیم زندگی خانوادگی، جلب سرمایه عاطفی و تحقق خانواده آرمانی و دموکراتیک خواهد شد.

منابع

- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: سمت.
- ادگار، اندرو (۱۳۹۵). مفاهیم کلیدی در اندیشه هابرماس. ترجمه محمدرضا غلامی، تهران: دنیای اقتصاد.
- پرویزی، سرور، امینی‌زاده، خدیجه، ثناگو، اکرم و سپهوند، فریبا (۱۳۸۸). تبیین مفهوم خانواده سالم از دیدگاه نوجوانان زنجان. نشریه پژوهش پرستاری ایران. ۴(۱۲-۱۳)، ۱۷-۷.
- پناغی، لیلی، زاده‌محمدی، علی، پاکدامن، شهلا، باقریان، فاطمه، احمدآبادی، زهره، محمدی، سمیه و ملکی، قیصر (۱۳۹۳). مطالعه مفهوم خانواده، خانواده سالم و ایدئال و عوامل آسیب‌زا از دید خانواده‌های ایرانی. همایش کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده (و جشنواره ملی خانواده‌پژوهی)، قابل دسترسی در <https://www.sid.ir>.
- چرستانی، نفیسه (۱۴۰۰). شناسایی ابعاد گفت‌وگوی پایدار مؤثر زوجین در خانواده‌های ایرانی. مجله نخبگان علوم و مهندسی، ۶(۳۱)، ۴۲-۱۶.
- خاکپور، ایمان، نظری، علی‌محمد و زهراکار، کیانوش (۱۳۹۴). نقش ابعاد ساختار قدرت خانواده در سازگاری زناشویی. فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۹(۳۰)، ۲۶-۷.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۱). تقسیم کار اجتماعی. ترجمه باقر پیرهام، تهران: مرکز.
- سیدمن، استیون (۱۳۸۶). کشاکش آزاد در جامعه‌شناسی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.
- سامانی، سیامک و بهبهانی، مینا (۱۳۹۰). الگوهای ارتباطی در گونه‌های مختلف خانواده در مدل بافت‌نگر فرابند و محتوای خانواده. دوفصلنامه مشاوره کاربردی، ۱(۲)، ۱۳۴-۱۱۹.
- صادقی‌فسایی، سهیلا و عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۴). تحلیل گفتمان و نقد الگوی خانواده مدرن مدنی در ایران پس از انقلاب اسلامی. فصلنامه فرهنگی- تربیتی، زنان و خانواده، ۱۰(۳۴)، ۱۳۳-۱۰۷.
- طهماسبی، کارینه، موتابی، فرشته، چیمه، نرگس، اناری، آسیه، اناری، رضوان و طاهری‌فر، زهرا (۱۳۹۶). تحلیل وضعیت سلامت خانواده‌های ایرانی: مفهوم خانواده سالم، شناخت ویژگی‌های خانواده سالم ایرانی و عوامل آسیب‌زا از دیدگاه متخصصان. مجله پرستاری و مامایی، ۱۵(۸)، ۶۴۱-۶۳۰.
- عرفانی‌اکبری، معصومه (۱۳۷۸). بررسی مشکلات مربوط به صمیمیت زوجین و تأثیر ارتباط درمانی زوجین بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهراء.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- قانع‌راد، محمدامین (۱۳۹۶). زوال پدرسالاری: فروپاشی خانواده یا ظهور خانواده مدنی. تهران: نقد فرهنگ.
- گودرزناصری، الهه، باقریان، فاطمه و کمری، سامان (۱۳۹۵). خانواده سالم: کنکاشی در ملاک‌های همسر مطلوب از دیدگاه پسران و دختران. فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۱۱(۳۵)، ۱۲۲-۱۰۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). چشم انداز خانواده، ترجمه محمد رضا جلالی پور، ماهنامه آفتاب، ۳ (۲۹): ۵۷-۵۴.
- گیدنز، آنتونی و بردسال، کارن (۱۳۸۸). جامعه شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۹). جهان لغزنده است. ترجمه علی عطاران، تهران: پارسه.
- مظاهری، محمد علی، سادات صادقی، منصوره و حیدری، محمود (۱۳۸۸). مقایسه وضعیت ادراک شده و آرمانی ساختار خانواده در پنج شهر ایران. مجله روانشناسی، ۱۳ (۲)، ۱۳۷-۱۱۸.
- ملایی، محمد حسن، اسماعیلی، معصومه و ملایی، رحیم (۱۳۹۷). مطالعه کیفی نقش زبان در روابط زوج‌های متعارض: رویکردی مبتنی بر نظریه داده بنیاد. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۳ (۴۴)، ۶۵-۲۷.
- مهدوی، محمد صادق و صبورشاهی، حبیب (۱۳۸۲). بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده، مطالعات زنان، ۱ (۲)، ۶۷-۲۷.
- هابرماس، یورگن (۱۳۹۴). نظریه کنش ارتباطی. ترجمه: کمال فولادی، تهران: مرکز.
- هابرماس، یورگن (۱۴۰۰). دگرگونی ساختاری حوزه عمومی کاوشی در باب جامعه بورژوازی. ترجمه جمال محمدی، تهران: افکار.
- هاتفی راد، لیدا، پارسامهر، مهربان و روحانی، علی (۱۴۰۱). برساخت گفت‌وگو میان زوجین یزدی به سوی یک نظریه زمینه‌ای. مجله رفاه اجتماعی، ۲۲ (۸۴)، ۱۴۵-۱۰۹.
- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: An analytic tool for qualitative research. *Qualitative Research*, 1(3), 385-405.
- Carr, K. & Kellas, J. K. (2017). The role of family and marital communication in developing resilience to family-of-origin adversity. *Journal of Family Communication*, 18(1), 68-84.
- Danczak, A. (2011). Dialogue as a means of building the spirituality of a married couple. *Journal Marriage, Families & Spirituality*, 17(1), 61-68.
- Gadamer, H. G. (1994). *Truth and method*, translation revised by Joel Weinsheimer and Donald G. Marshal, New York: Continuum.
- Gadamer, H. G. (1980). *Dialogue and dialectic: eight hermeneutical studies on Plato*. Translated by P. C. Smith. New Haven. Yale University Press.
- Giddens, A. (1990). *The consequence of modernity*, Stanford: Stanford University press.
- Habermas, J. (1984). *The theory of communicative action*, Vol. I. Reason and Rationalization of Society trans. Thomas McCarthy. Boston Beacon Press Boston.
- Koerner, A.F.; & Fitzpatrick, M.A. (1997). Family type and conflict: The impact of conversation orientation and conformity orientation on conflict in the family. *Communication Studies*, 48, 59-75.
- Koraei, A., Khojasteh Mehr, R., Sodani, M., & Aslani, K. (2017). Identification of the factors contributing to satisfying stable marriages in woman. *Journal of Family Counseling & Psychotherapy*. 2(22), 129-164. (in Persian).
- Meredith, W.H; Abbott, D.A; Tsal, R & Ming, Z. F. (1994). Healthy family functioning in Chinese cultures: An exploratory study using the Circumplex Model. *International Journal of*



Sociology of the Family, 24(1), 147-157.

- Mohanna, S. & Samani, S. (2017). Parents' self-efficacy in different types of family regarding: family process and contentmodel,7(2), 1-16.
- Parsons, T. & Bales(1955) Family, socialization & integration process. The free press, New York.
- Strauss, A. L. & Corbin, J. (1998). Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and tichniques Newbury Park, CA: Sage.
- Turner, V. (1967). Betwixt and between: the liminal period in rites of passage in the forest of symbols: aspects of Ndembu ritual, Ithaca (N. Y.), London: Cornell University Press.